

مطلبی است در مورد چگونگی از بین رفتن جامعه ای که قرار بود در آن برابری انسانها باشد این جامعه را اتو میل (OTTO MÜHL) بر اساس نظریات فروید بنیان نهاد

=====

در دهه 60 و 70 کلونی ها و کمون های مختلفی شکل گرفت. جوانانی که اندیشه انقلابی داشتند و از روابط جوامع سرمایه داری بیزار بودند در صدد بر آمدند که جامعه دلخواه خود را در کنار این جامعه تشکیل دهند و محلی برای زیست انسان آزاد به وجود آورند. این کلنی ها اکثرا با اندیشه چپ و اندیشه برابری انسان و مخالفت با استثمار و بهره کشی از انسان ، مخافت با مالکیت شخصی و دیگر آرمانهای انقلابی شکل می گرفت . در آن دوران بعضی از این گروه ها را هیپی نیز می خواندند .

ماجرایی که در زیر می خوانید آنچه است که بر سر یکی از کلونی ها که با عقاید بسیار خاصی در مورد سکسوالیته و روابط جنسی تشکیل شد ، رفته بود. ماجرای کمون فریدس هوف که نسبتا بیشتر از دیگر کمون ها بر پا باقی ماند و حدود 30 سال عمر کرد .

در سال 1970 گروهی، نزدیک به 30 نفر از جوانان انقلابی در آلمان و اتریش تصمیم گرفتند که از جامعه جدا شوند و اجتماع ایده آل خود را به وجود آورند. از سرکرده گان عمده این گروه اتو میل OTTO MÜHL بود که روانشناس بود ، او به همراه دیگر افراد گروه در سال 1972 در گوشه ای ، درون طبیعت و دور از اجتماع ، در محلی به نام فریدس هوف در اتریش ، کلنی خود را بنیاد گذاشتند. این گروه که تا آن سال به چیزی حدود 300 نفر رسیده بود تصمیم بر آن داشت که این تجربه انسانی را لحظه به لحظه ثبت کند. این آزمایشگاه بزرگ انسانی با فیلم برداری از لحظه به لحظه اعمال و رفتار و فعالیت های خود ، با برداشتن عکس و نوشتن روزنگار ، آرشیو مفصلی در اختیار آیندگان قرار داد که امروز نیز در دسترس است و مورد تحقیق و بررسی بسیاری از محققان و جامعه شناسان از سراسر دنیا قرار می گیرد. تجربه فریدس هوف تجربه ای نسبتا منحصر به فرد است که در تقریبا دو نسل را در بر گرفت و اطلاعات بسیار جامعی در مورد این نوع زندگی در اختیار می گذارد.

افراد کلنی انسانهایی روشنفکر بودند که ساختار های اجتماعی را زیر سوال می بردند. مانیفست کلنی که در سال 1973 تدوین شد تلفیقی بود از مارکسیسم آنتی ماتریالیسم و نظریات فروید و بیش از هر چیز آزادی جنسی .

افرادی که به کلنی ملحق شده بودند از جامعه ، شغل ، پدر و مادر ، و آینده ای که در انتظارشان بود دست کشیدند و خود را و تمام امکانات مالی خود را به کمون سپردند. کمونی که به رهبری اتو اداره می شد .

کلنی قوانین را زیر سوال می برد. از هیرارکی های اجتماعی متنفر بود و آنها را مانع رشد انسان می دانست . کلنی خانواده و قوانین مربوط به خانواده را ناشی از قوانین جامعه انسانی بر مبنای مالکیت خصوصی می دانست و قصد نفی خانواده کرد .

در کلونی هیچ کس پولدار و هیچ کس فقیر نبود. همه ، همه چیز داشتند، و یا نداشتند. همه همه چیز را ، منجمله خودشان را با هم قسمت می کردند

کلونی قوانین اجتماعی را نفی می کرد و باید های اجتماع را زیر سوال می برد. بنابراین قوانین جدیدی تولید کرد. سکسوالیته آزاد. هیچ کس مالک دیگری نبود و هر کسی باید با هر کس که دلش می خواست همبستر شود. در کلنی کار زیادی وجودی نداشت . چند ساعتی به سبزی کاری و

نظافت و تهیه غذا صرف می شد و بقیه ساعات صرف سکس می شد. همه روزانه چندین بار سکس داشتند. با افراد مختلف. هیچ مرد و زنی حق نداشتند بیش از یک بار در طول یکی دو روز با هم سکس داشته باشند، چرا که در آن صورت امکان به وجود آمدن رابطه پایدار وجود داشت. همه حق داشتند از همه درخواست هم خوابگی کنند و هیچ کس حق نداشت درخواست دیگری را رد کند. مسلماً کسانی که زیباتر بودند یا اتوریته بیشتری داشتند در صدر قرار می گرفتند و برنامه شان تا دو سه هفته رزرو شده بود. دیگر افراد تا دو سه روزی رزرو بودند. در ابتدا مردان جایی نداشتند. زنان خانه داشتند و مردانی که با زنی هم خواب نبودند حتی تخت خواب هم از آن خود نداشتند. اما چنین چیزی پیش نمی آمد که مردی بی جایگاه بماند. نسبت زن به مرد، نسبتاً برابر بود و سکس گروهی هم رواج داشت. گروه جوان و پر انرژی بودند، جوانان 17 تا 25 ساله، قرار بر این بود که همه با هم یکسان باشند تنها سر دسته گروه، اتو بود که نسبتاً 30 سال بزرگتر از بقیه بود. او شامل این قوانین نمی شد. اتو کاریسماتیک و بسیار محبوب بود. او معتقد بود که سکس باید آسان و قابل دسترس همه گان باشد. او معتقد بود که خانواده از پیشرفت های انسانی جلوگیری می کند و موجب مالکیت و حسادت می شود. او معتقد بود که سکس برای درمان نابسامانی های انسانی مهم است و داشتن سکس بین پزشک و بیمار را (که امروزه کاملاً ممنوع است) چرا که بین پزشک و بیمار، در روانشناسی، اتوریته نسبتاً قوی حاکم است) لازم می دانست. جلسات تراپی عمومی که عموماً همه گان در آن برهنه بودند برای تخلیه خشم و غضب و حسادت و دیگر غرائض انسانی هر شب تشکیل می شد. این گروه تنها گروهی بود که سکس آزاد را امتحان می کرد. در اصل سکس آزاد تنها تنوری سیاسی این گروه را در بر می گرفت و به معنای نفی مالکیت خصوصی محسوب می شد. کلونی در میان شهرهای دور و بر محبوب نبود و مردم با شک و تردید به کلونی و افراد مقیم آن می نگریستند.

قرار بر نفی تمام قرارداد های انسانی بود. نامش سکس آزاد بود ولی این سکس چندان آزاد هم نبود. هموسکسوالیته به طور کلی قدغن بود. سکس فقط بین دو جنس آزاد بود، و به دلیل هموفوبیای شدیدی که در جمع رواج داشت، همجنسان حتی از لمس بدن همدیگر نیز اجتناب می کردند. داشتن رابطه جنسی چندین بار در روز اما با افراد مختلف نسبتاً اجباری بود. و از همه مهمتر، عشق از میان برداشته شده بود. این از سکس یک عمل مکانیکی می ساخت. لمس، نگاه، و هر آنچه موجب به وجود آوردن عاطفه بود اجتناب می شد. سکس برای سکس، و نه برای عشق.

بیماری های مقاربتی در میان افراد کلونی شایع شد. سوزاک و سیفلیس و هرپسو هپاتیت و هر بیماری که در اثر شلختگی جنسی امکانش وجود دارد در میان مردم این گروه شایع شد. این مسئله ترسی را هم در اجتماع بیرون به وجود آورد. کلونی بیش از پیش خود را بست. درهای خود را به روی اجتماع بیرون بست و راه تماس خود را با اجتماع قطع کرد.

قرار بود این اجتماع با قوانین اجتماعی مقابله کند. و قدرت را نفی کند اما شکل جدیدی از هیرارکی در کمون به وجود آمد. کمون اکنون حدود 600 نفر ساکن داشت، ساکنان این کمون شماره گذاری شدند. از یک تا 600 و شماره یک خود اتو بود. هر کسی برای رسیدن به شماره ای نزدیک تر به اتو دست و پا می زد. زنان سعی می کردند محبوب اتو باشند و در زمره زنانی که اتو با آنان همخوابه می شد قرار گیرند هیچ کسی بجز اتو حق این را نداشت که تقاضای همخوابگی را از کسی رد کند. اتو محیط محبوب خود را داشت. هر جا که می رفت بیست سی نفر را به دنبال داشت و همه سعی می کردند نزدیکتر به او قرار گیرند و راه بروند. زنان مایل بودند بیشتر با اتو همخوابه شوند که از این طریق به راس هیرارکی نزدیک تر شوند و محبوبیت بیشتری پیدا کنند. مردان نیز سعی می کردند بیشتر با زنان بالای هرم همخواب شوند تا از قدرت بیشتری برخوردار

شوند. به این ترتیب کمونی که در صدد بود قوانین اجتماعی را بر هم ریزد، قوانینی به مراتب وحشتناک تر ایجاد کرد. مخلوطی از سکس و قدرت شکل هیرارکی جدید در کلونی فریدس هوف را تشکیل داد.

اتو تصمیم به تولید فرهنگ جنسی گرفت. او معتقد بود که می داند یک رابطه جنسی خوب باید چگونه باشد و این را به زنانی که با او همبستر می شدند می آموخت. به جای خود این زنان این فرهنگ جنسی را به مردان دیگر انتقال می دادند و این فرهنگ در سطح هرم، از بالا به پایین، به عنوان فرهنگ جنسی خوب انتقال پیدا می کرد.

به طور متوسط سالانه 20 کودک در کلونی به دنیا می آمد. این که پدر این کودکان کیست مشخص نبود. اینان کودکان کمون محسوب می شدند و موشهای آزمایشی برای تجربه رشد کودکان در محیطی با سکس آزاد. کمون به امکانات مالی نیاز داشت و به همین دلیل تعدادی از افراد کمون به جامعه فرستاده شدند تا کار کنند و پول بدست آورند.

افراد این کلونی از افراد تحصیل کرده و اینتلکتوال اجتماع بودند. افرادی که باهوش بودند در روابط اجتماعی بسیار می توانستند موفق باشند. در مدت کوتاهی توانستند کاری برای خود دست و پا کنند و پول زیادی به سمت کلونی سرازیر شد. این افراد در جامعه زندگی می کردند و تنها بعضی از آخر هفته ها به کلونی می آمدند و با استقبال شدید روبرو می شدند. این افراد به سرعت در هرم بالا می رفتند. این ترس وجود داشت که اگر این افراد سر خورده شوند، اکنون که توانسته اند موقعیت خوبی در اجتماع فراهم کنند، کمون را برای همیشه ترک کنند.

کمون به خرید و بازسازی پرداخت. کمون دیگر قابل شناسایی نبود. خانه هایی لوکس با استاندارد های نوین ساخته شد. کمون در تمام اروپا دارای سهام و املاک و سرمایه شد. همه آنچه افراد کمون به عنوان لوکس و ماتریالیسم جامعه سرمایه داری و استثمار انسان می شناختند خریداری شد و استفاده شد. و صد البته اتو در صدر این استفاده ها قرار داشت. مشروب و مواد مخدر به وفور یافت می شد. کارها در کمون تقسیم شده بود اما اتو خانه دار مخصوص به خود را داشت که از خانه او نگه داری می کرد و به هواپیج او رسیدگی می کرد و حتی لیست همخوابگی های او را به روز می کرد.

در نیمه دهه 80 کودکان کمون به بلوغ رسیدند. و بحث سکسوالیته نوجوانان به میان آمد. مشخصا از اهداف کمون آن بود که نوجوانان بتوانند غرائض جنسی خود را پرورش دهند. و اکنون کودکان به سن نوجوانی رسیده بودند. سنین 13/14 برای داشتن رابطه جنسی آزاد برای نوجوانان به رسمیت شناخته شد. و نوجوان حق داشت با هر کسی که مایل است، حتی با بزرگسالان همبستر شود. اتو تولید کننده فرهنگ جنسی بود، این او بود که فرهنگ خوب جنسی را رواج می داد و سکس خوب را تولید می کرد. و برای دختران نوجوان ضروری بود که شخصی اینچنین اولین تجربه جنسی دختران را در اختیارشان بگذارد. اتو این را به عنوان حق شب اول به خود اختصاص داد. در این زمان اتو بیش از 60 سال داشت و دختران 12، 13 تا 14 ساله بودند مادران دختران جوان خود را ترقیب می کردند که با اتو همخوابه شوند تا چگونگی رابطه جنسی را یاد بگیرند. با ورود دختران جوان به روابط جنسی، فرهنگ جدیدی به وجود آمد. قدرت جنسی جوان. دختران جوان محبوب اتو بودند و برای محبوبتر شدن مایل به همبستری با اتو، زنان دیگر که مادران این دختران محسوب می شدند از پیرامون اتو پراکنده شدند. اتو از همخوابگی با زنان 35 ساله امتناع می کرد و آنان پیر می خواند. این حق شب اول برای اتو باقی ماند. به گفته

اعضای کمون، بسیاری از دختران مایل به شروع رابطه جنسی در آن سن کم نبودند و یا توسط اتو متقاعد می شدند و یا مورد تجاوز قرار می گرفتند. زنی که خانه دار اتو بود شهادت می دهد که

خود شاهد مورد تجاوز قرار گرفتن چندین تن از دختران بوده است. مسائل جدید کمون موجب شد که بسیاری گروه را ترک کنند و یا روابط موجود را مورد پرسش قرار دهند و در انتها پای پلیس و قانون به میان کشیده شود. اتو در سال 1991 دستگیر شد. او به دلیل سوء استفاده از قدرت و مصرف مواد مخدر و پخش آن در میان نوجوانان و سوء استفاده جنسی از نوجوانان به 7 سال زندان محکوم شد. او در تمام دوران زندانش خود را زندانی سیاسی می خواند و معتقد بود به دلیل عقاید سیاسی اش است که در زندان به سر می برد. پس از زندانی شدن اتو بسیاری کمون را ترک کردند. اما ترک این شیوه زندگی برای همه گان آسان نبود. بخصوص برای زنان که اکنون میان سال بودند و تمام جوانی خود را در کمون گذرانده بودند زندگی دیگری را خارج از کمون نمی شناختند.

گروه کوچکی حدود 60،70 نفر در فریدس هوف باقی ماندند و مشغول کار شدند. روابط قبلی وجود نداشت اما پذیرفتن روابط جدید نیز تقریباً غیر ممکن شده بود. زندگی با یک پارتنر برای افرادی که روزانه با چند نفر متفاوت همخوابه می شدند کار آسانی نبود. انجام تمام کارهای شخصی از قبیل شست و شو و پخت و پز و رفت و روب و کار کارمزدی نیز. اما افراد به طریقی با مسئله کنار آمدند

سال 1997 اتو از زندان آزاد شد در این تاریخ او 72 ساله بود و به گروه مراجعه کرد. و با تعداد کمی که مایل بودند به پرتقال رفت. او امروز مبتلا به پارکینسون است ولی در پرتقال کماکان همچون گذشته با گروه کوچکی به همان روال سابق زندگی خود را ادامه می دهد.

این گروه با ایده آل های انسانی و برای زیر سوال بردن روابط اجتماعی تشکیل شد. اما تصویری که از آزادی جنسی ارائه داد رابطه ای دور از احساس و عاطفه بود. تهی کردن انسان از احساس و عاطفه و استفاده از رابطه جنسی به عنوان سوپاپ اطمینان و سکس برای سکس تابو های جنسی را در اجتماع زیر سوال برد، اما دانش و قدرت کافی برای در هم شکستن تابو های جنسی خود نداشت (تابوی هموسکسوالیته برای همیشه به عنوان تابو باقی ماند). هیرارکی های قدرت را زیر سوال برد و هیرارکی های دیگری به مراتب وحشتناک تر از آن به وجود آورد. "باید" های اجتماعی را مورد پرسش قرار داد و به جای آن از "نباید" های اجتماعی "باید" ساخت. کیش شخصیت و تمامی هستی اجتماعی را پیرامون یک و تنها یک مسئله، سکس، قرار داد. سکسوالیته را در مرکزیت قرار دادند و همه چیز را پیرامون این مرکزیت برنامه ریزی و ارزشگذاری کردند. حقوق کودکان را به رسمیت نشناخت و با سکسوالیته نوجوانان همانند بزرگسالان برخورد کرد و به نوجوانان حق برخوردی آزادانه با سکسوالیته خود داده نشد. سوء استفاده از قدرت و جانشینی قراردادهای اجتماعی با قراردادهای مشابه ولی واژگونه، پذیرفتن هژمونی فردی و اطاعت بی چون و چرا از قوانین وضع شده توسط او، قوی شدن گرایشات سکتاریستی و تبدیل کلونی به سکت، عدم شناخت انسانها از چگونگی روابط در یک جامعه برابر، و همه اینها موجبات شکست پروژه انسانی فریدس هوف را به وجود آورد. بهشت سکسوالیته به مرور ایام به جهنم سکسوالیته مبدل شد.

اما این همه نام فریدس هوف را به عنوان تلاش انسانی برای یافتن آلترناتیوی برای زندگی در تاریخ ثبت کرد. تلاشی در جهت به وجود آوردن جامعه ای اشتراکی، بهشت انسانی، که هرچند موفق نشد اما تجربه ای مطرح و مورد بحث است